

گفت وگویی حافظانه

با استاد دکتر نصرالله امامی

آینده، گریز از ریا و به چالش کشیدن ارزش‌های کاذب است. چیزی که حافظ کوشیده تا آن را در غالب سروده‌هایش به هنرمندانه‌ترین شکل بازتاب دهد.

۴. بارزترین ویژگی حافظ را چه می‌دانید؟

آزادگی، پرهیز از ریا و ظلم‌ستیزی به شیوه‌ی خاص خود او، بارزترین ویژگی حافظ است.

۵. برخورد محافل ادبی و دانشگاه‌ها را با دیوان حافظ چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حافظ در دانشگاه‌های ما غریب افتاده است. ظاهراً حافظ برای مردم درس خوانده و حتی کم‌خوانده‌ی بیرون از دانشگاه‌ها آشنا تر است. مردم کوچه و بازار براساس یک پژوهش علمی روزانه نزدیک به هزار تعبیر و ضرب‌المثل از شعر حافظ را در محاورات روزمره‌ی خود به کار می‌برند و در کمتر خانه‌ای از طبقات متوسط یا درس خوانده است که دیوانی از حافظ یافت نشود؛ ولی دروغا که بسیاری از درس خوانده‌های دانشگاهی ما حتی یک غزل از حافظ را در خاطر ندارند که بخوانند. ما عادت به تحسین از بزرگان ادب و فرهنگ داریم، ولی با میراث و یادگارهای آنان الفت قابل قبولی نداریم. شاید بتوانم بگویم که بعضی از محافل ادبی در حافظ خوانی و حافظ‌شناسی از دانشگاه‌های ما موفق تر هستند.

۶. در یکصد سال اخیر پژوهش‌های گوناگونی درباره‌ی شعر و اندیشه‌ی حافظ انجام یافته است؛ این پژوهش‌ها را چطور ارزیابی می‌فرمایید؟ آیا افراط و تفریط در کار بوده یا کارهای انجام‌شده بایسته و ضروری بوده است؟

پژوهش‌هایی که در صدساله اخیر در باب حافظ‌شناسی صورت گرفته، بعضاً عمیق و قابل ستایش است. در این پژوهش‌ها تصحیحات علمی قابل اعتماد و شرح‌های ارزشمندی تالیف شده، تحقیقات تاریخی و مفهوم‌شناسی ژرفی انجام گردیده که همگی مغتنم است؛ ولی مانند هر مورد دیگری، افراط و تفریط‌هایی هم در حاشیه‌ی این پژوهش‌ها دیده می‌شود که گریزی از آن‌ها نیست. شرح‌هایی که بر غزل‌های حافظ نوشته شده است، گاهی آکنده از تفصیل‌های بی‌وجهی است که با حوصله‌ی خوانندگان و مشتاقان حافظ در روزگار ما سازگار نیست. بعضی از تألیفات و مقالات، بازتاب تحمیل‌های برخی از مؤلفان بر شعر و اندیشه‌ی حافظ است. در کنار همه‌ی این‌ها شاید آنچه روح حافظ را می‌آزارد، ستایش‌ها و انکارهای جاهلانه‌ای است که برخی نویسندگان در سخنان اغراق‌آمیز خود به صورت مثبت یا منفی درباره‌ی حافظ مطرح می‌کنند، درحالی‌که با ژرفای فکر و مشرب حافظ بیگانه‌اند.

۷. به نظر جناب عالی برای آینده، چه مطالعاتی در زمینه‌ی حافظ‌پژوهی در اولویت است؟

هر پژوهشی که بتواند گوشه‌ای از ابهام‌های تاریخی، متن‌شناختی، فکری و باورداشتی حافظ را روشن‌تر کند، می‌تواند مغتنم باشد؛ ولی



دکتر نصرالله امامی (زاده‌ی ۱۳۲۸)، نویسنده، مترجم و استاد بازنشسته‌ی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

۱. با کدامیک از محورهای اندیشه‌ی حافظ، بیشتر مأنوس هستید و یا تلاش می‌کنید که در زندگیتان همواره در نظر داشته باشید؟

اندیشه‌های حافظ، سراسر آموزه‌هایی برای معنادارتر کردن زندگی و نگاه به واقعیت‌های حیات انسانی است. مهم‌ترین درسی که من از شعر حافظ گرفته‌ام، اعتباری بودن ارزش‌ها و ناپایداری زندگی و ضرورت اغتنام از مجال چندروزه‌ی زندگی است.

۲. همان‌طور که می‌دانید، موضوع یادروز حافظ امسال (۱۳۹۸)، «حافظ و انسان» است؛ شما انسان را در اشعار حافظ چگونه می‌بینید؟

دریافت حافظ از انسان را می‌توان در خلال سروده‌های او دریافت. در توصیف‌های حافظ، انسان دارای ویژگی‌های باورداشتی و رفتاری خاصی است که شاید بتوان همه را در قلمرو آزادی و عدم تعلق خلاصه کرد. این آزادی می‌تواند خصلت هر انسانی در هر کسوتی باشد؛ نهایت آن است که انسان رنگ تعلق نپذیرد و بنده‌ی معیارهای کاذب نشود.

۳. به نظر شما پیام حافظ برای انسان‌های معاصر چیست؟ و نسل جدید تا چه اندازه به حافظ نیازمند است؟

به تصور من، مهم‌ترین پیام حافظ برای انسان معاصر و نسل‌های

مهم‌تر از همه شناساندن جایگاه هنری و ادبی حافظ و حقیقت افکار و اندیشه‌های او به نسل حاضر و آینده است.

۸. در یک ارزیابی کلی چه ضعف‌ها و آسیب‌هایی در مطالعات حافظ پژوهی گذشته وجود دارد؟

مهم‌ترین ضعف و آسیب‌هایی که در حوزه‌ی حافظ پژوهی می‌تواند مطرح باشد، اسیر شدن در چنبره‌ی کارهای تکراری و دور شدن از خلاقیت‌ها و نگاه‌های تازه در حافظ پژوهی است. اینکه ما از حافظ پژوهی یک جریان کاذب بسازیم و هرکسی اعتبار خود را در آن ببیند که به نوعی در قلمرو حافظ پژوهی سری بلند کند، در حالی که خشتی به این بنا نیفزاید، نه افتخار است و نه ارزشی دارد.

۹. آیا در حال حاضر مشغول به پژوهشی در پیوند با حافظ هستید؟ یا پیشنهاد خاصی برای پژوهشگران علاقمند به حافظ دارید؟

حافظ پژوهی یک شاخه‌ی مستمر و همیشگی در پژوهش‌های این بنده است. اثری که سال‌هاست در دست تألیف دارم و بخش اعظم آن مهیا شده است، فرهنگنامه‌ی مفاهیم و تعبیرات دیوان حافظ است. البته تألیفی از لون دیگر و با نگاهی متفاوت که شاید بتواند به عنوان گامی مفید در قلمرو حافظ پژوهی پذیرفته شود.

۱۰. یک بیت یا یک غزل از حافظ را که بیش‌تر با آن مأنوس هستید و یا به آن علاقه‌ی بیش‌تری دارید لطفاً بنویسید و در پایان اگر سخن ناگفته‌ای با خوانندگان دارید، بفرمایید.

من غالباً با شعر حافظ در تماس و محاوره‌ام؛ ولی غزلی که بیش‌تر در ذهن دارم و ترنم می‌کنم را برایتان می‌نویسم:

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند
چنان نماند، چنین نیز هم نخواهد ماند

من ارچه در نظریار خاکسار شدم
رقیب نیز چنین محترم نخواهد ماند

چوپرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را
کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند

چه جای شکر و شکایت ز نقش نیک و بد است
که بر صحیفه‌ی هستی رقم نخواهد ماند

سرود مجلس جمشید گفته‌اند این بود
که جام باده بیاور که جم نخواهد ماند

توانگرا دل درویش خود به دست آور
که مخزن زرو گنج گهر نخواهد ماند

غنیمتی شمرای شمع وصل پروانه
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند

بر این رواق زیرجد نوشته‌اند به زر
که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

ز مهربانی جانان طمع مبر حافظ
که نقش جور و نشان ستم نخواهد ماند

امیدوارم الفت نسل جوان ما با میراث ادبی و شعر پارسی پایدار و پیوسته باشد.

Hafiz and His Contemporaries: Poetry, Performance and Patronage in Fourteenth Century Iran, Dominic Parviz Brookshaw

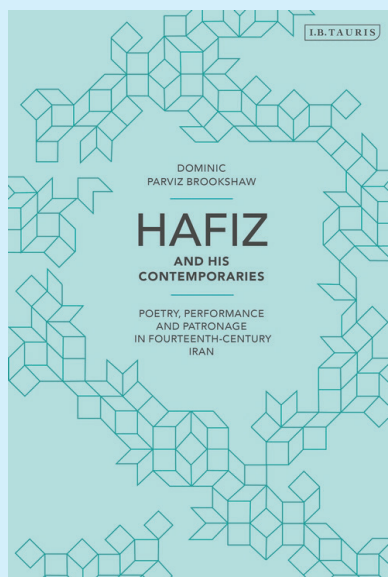
حافظ و معاصرانش: شعر، اجرا و ممدوح در قرن ۱۴ (میلادی) در ایران (۲۰۱۹)
اثر دامینیک پرویز بروکشاو. ناشر آی بی توریس، ۳۹۲ صفحه

معرفی کتاب

HAFIZ and his CONTEMPORARIES



A Study of Fourteenth-century Persian Love Poetry
Dominic Brookshaw



دکتر فریده پورگیو

مدیر روابط بین‌الملل مرکز حافظ‌شناسی

کتاب دارای یک مقدمه و شش فصل و یک مؤخره است و نقشه‌ای از ایران همراه راهنمای آوانگاری کلمات و توضیح واژه‌هایی چون بیت، مصرع، مدح، ممدوح، قطعه، قصیده و... نیز در آن آورده شده است. نویسنده که دانشیار ادبیات فارسی در دانشگاه آکسفورد است، در مقدمه اشاره می‌کند که روش کار تطبیقی را انتخاب کرده تا از پشت زندگینامه‌هایی که باغراق حافظ را مبهم و نامشخص می‌کنند، شاعر را بشناسد. وی معتقد است که باید حافظ را در